

زبان اخلاق

ریچارد مروین هیر

ترجمه امیر دیوانی



فلسفه اخلاق از دو بخش عمده «اخلاق هنجاری» و «فرا اخلاق» تشکیل می‌شود تحلیل مفاهیم اخلاقی، سخت‌ترین و مهم‌ترین بخش از فرا اخلاق است. کتاب زبان اخلاق، که به دست نویسنده‌ای قوی‌پنجه نگاشته شده است، بحثی تحلیلی در مورد معناشناسی مفاهیم اخلاقی است. ریچارد هیر، فیلسوف انگلیسی، که به سنت تحلیلی آنگلوساکسون وفادار است، از نظریه «توصیه‌گروی» در باب معنای مفاهیم اخلاقی دفاع می‌کند. نظریه او، در برابر نظریه‌های شناختی و احساسی و امری قرار می‌گیرد. از این‌رو، مطالعه آن برای کسانی که در جست‌وجوی نظریه‌های مختلف در این موضوع هستند، ضروری است. آوازه نویسنده، به عنوان یک فیلسوف اخلاق، با گرایش تحلیلی، بر آشنایان با این رشته پوشیده نیست. از این‌رو، کتابی که در بردارنده نظریه او باشد، خواندنی‌تر و جذاب‌تر می‌نماید.

مترجم محترم این اثر، جناب حجۃ‌الاسلام والمسلمین دکتر دیوانی، با دقت و احاطه خوبی که در فلسفه اخلاق دارد، توفیق ارائه ترجمه‌ای دقیق و قابل اعتماد از کتاب را یافت. دقت نظر استاد ملکیان نیز بر غنای ترجمه افزود. از خداوند متعال دوام توفیق آنان را خواهانیم.

کتاب طه
 مؤسسه فرهنگی طه
 بهار ۸۳

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار مترجم
۱۰	فلسفه اخلاق در گذشته و حال
۱۵	نظریه‌های شناختی
۱۷	نظریه‌های غیر شناختی
۲۰	نظریه احساس‌گرایی
۲۲	خلاصه نظریات هیر
۲۸	نقد نظریات هیر
۳۳	پیشگفتار مؤلف
۳۵	بخش اول: وجه امری
۳۷	زبان توصیه‌گر
۵۹	جمله‌های امری و منطق
۷۷	استنتاج
۱۰۹	انتخاب بر اساس اصل
۱۳۹	بخش دوم: خوبی
۱۴۱	طبیعت‌گرایی
۱۶۱	معنا و معیار
۱۸۲	توصیف و ارزشگذاری
۲۰۳	تحسین و انتخاب
۲۱۵	«خوب» در بافت‌های اخلاقی

بخش سوم: باید

۲۳۳

«باید» و «صحیح»	۲۳۵
«باید» و جمله‌های امری	۲۵۱
یک الگوی تحلیلی	۲۷۳
واژه‌نامه فارسی - انگلیسی	۲۹۵
واژه‌نامه انگلیسی - فارسی	۲۹۷
نمایه موضوعات	۲۹۹
نمایه اعلام	۳۰۲

پیش‌گفتار مترجم

ریچارد مروین هیر Richard Mervyn Hare در تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۱۹ در شهر بلاکول^۱ انگلستان به دنیا آمد. در کالج بالیول^۲ به تحصیل پرداخت. سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ را در اسارت گذراند. سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۶ استاد راهنمای فلسفه در کالج بالیول، و سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۸۳ استاد فلسفه اخلاق در آکسفورد بود. وی از با نفوذترین فیلسوفان اخلاق در دروئه خود است، به طوری که هر پژوهش جدیدی که در فلسفه اخلاق قرن بیستم صورت می‌گیرد سهم وی به نحو وافری به حساب آورده می‌شود. پاره‌ای از نوشته‌های او عبارت‌اند از:

۱. تفکر اخلاقی^۳ (۱۹۸۱)

۲. آزادی و عقل^۴ (۱۹۶۳)

۳. مقالاتی درباره روش فلسفی (۱۹۷۲)

۴. مقالاتی درباره مفاهیم اخلاقی (۱۹۷۱)

۵. افلاطون (۱۹۸۲)

1. Blackwell

2. Balliol

3. *Moral Thinking*

4. *Freedom and Reason*

نوشته حاضر ترجمه کتاب *The Language of Morals* است. این کتاب یکی از آثار برگسته در فلسفه اخلاق است که به بحث از نظریه‌ای جدید به نام «توصیه‌گرایی» در قلمرو فلسفه اخلاق می‌پردازد و از این‌رو، نوشهای فنی و تخصصی است. آقای هیر فیلسوفی تحلیلی است که با دقت، واژه‌ها و جمله‌ها را مورد تأمل قرار می‌دهد و با شیوه خاص خود به کشف زبان اخلاق می‌پردازد. وی گاه چندین عبارت قیدی و وصفی را کنار هم قرار می‌دهد، در نتیجه فهم کتابش نیازمند صبر و دقت نظر است. در ترجمه، سعی شده همه قیدها و نکته‌های بلاغی، بدون دشوار شدن معنا، منعکس شود و واژه‌ها در سراسر ترجمه به یک شکل آورده شود.

فلسفه اخلاق در گذشته و حال

آدمی در سراسر زندگی با مسائل فراوانی روبرو است؛ پاره‌ای از این مسائل همواره جلوه‌گری کرده ذهن را به چاره‌جویی و امیداردن و پاره‌ای دیگر در اوضاع و احوال خاصی آشکار می‌شوند. بی‌شک مسائلی که به حوزه رفتار و کنش آدمی مربوط است. از مسائل قسم نخست است هر کسی غالباً، خود را با مسائل اخلاقی مواجه می‌بیند و در مقام پاسخ‌گویی ناگزیر به تفکر است؛ اما تفکر، مانند هر کار دیگری، ممکن است مسیر صواب یا خطأ را بی‌پیماید. در این میان، شاخه‌ای از فلسفه، یعنی فلسفه اخلاق، می‌تواند پاره‌ای از تاریکی‌ها را بزداید و آدمی را در پیمودن راه صواب مدد رساند.

فلسفه اخلاق، تفکر درباره طبیعت اخلاق، مسائل و احکام اخلاقی است. اما از آنجاکه هرگونه پژوهش و اندیشه درباره اخلاق در قلمرو فلسفه اخلاق قرار نمی‌گیرد، شایسته است با ذکر انواع پژوهش‌های اخلاقی، حوزه آن را روشن کنیم:

۱. پژوهشی که مقصود آن شرح یا توصیف پدیده اخلاق است. چنین پژوهشی، که معمولاً با روش تجربی به سامان می‌رسد، به دست مردم‌شناسان، تاریخ‌دانان و جامعه‌شناسان صورت می‌گیرد. این پژوهش مستقیماً به توصیف نظام‌ها و اصول اخلاقی موجود در جوامع و افراد مختلف می‌پردازد و در صدد ارائه دستور اخلاقی نیست.

۲. پژوهشی که در برابر پرسش چه کاری خوب، صواب یا وظیفه است صورت می‌گیرد و با بیان پاسخی استدلالی به طراحی حکمی هنجاری می‌انجامد.

۳. پژوهشی که درباره مسائل منطقی، معرفت‌شناختی و معنایی است. نمونه‌ای از این مسائل عبارت است از:

الف. معنای واژه «خوب» یا «صواب» در بافت‌های اخلاقی چیست؟

ب. آیا می‌توان احکام ارزشی به خصوص احکام اخلاقی را به اثبات رساند یا موجه ساخت؟

ج. سرشت و طبیعت اخلاق چیست؟

هر چند پاره‌ای از فیلسفان جدید فلسفه اخلاق را به پژوهش‌های نوع سوم محدود می‌کنند، تردیدی نیست که نتیجه بررسی‌های نوع اول و دوم در نوع سوم تأثیر بهسزایی دارد. برخی دیگر از فیلسفان اخلاق پژوهش‌های نوع دوم و سوم را شایسته فلسفه اخلاق می‌دانند، چراکه به هر تقدیر ما انتظار داریم که فیلسوف اخلاق در برابر پرسش «چه باید کرد؟» پاسخی ارائه دهد. بنابراین، اگر پژوهش‌های نوع دوم را «هنجاری» و پژوهش‌های نوع سوم را «تحلیلی» یا «فرا اخلاقی» بدانیم، فلسفه اخلاق شامل هر دو نوع می‌شود.

در گذشته فلسفه اخلاق عمدهاً در جهت پاسخ به دو پرسش حرکت می‌کرد:

۱. کدام زندگی برای انسان خوب است؟

۲. آدمی چگونه باید عمل کند؟

وقتی نظریه‌های افلاطون، ارسطو، اپیکوریان، رواقیان و... را بررسی می‌کنیم جهت‌گیری ایشان را به سوی مسائل یاد شده می‌یابیم. مثلاً ارسطو زندگی خوب و سعادتمندانه را به انطباق با فضیلت کامل معرفی و با نظریه «اعتدال» راه رسیدن به آنرا مشخص می‌کند. اما آنچه در فلسفهٔ جدید اخلاق در مغرب زمین آمده است، حال و هوای دیگری دارد. بسیاری از متفکران جدید بر این باورند که اساساً معنای پرسش و پاسخ‌های یاد شده روشن نیست و باید در وهله اول به روشن کردن آنها همت گماشت. به عقیده اینان نظریه‌پردازانی همچون ارسطو معنای این پرسش و پاسخ را روشن فرض می‌کردند، درحالی‌که چنین نیست و به همین دلیل سعی و تلاش آنان راه به جایی نمی‌برد.

به کار گرفتن تحلیل فلسفی در قلمرو اخلاق باعث اختلاف چشم‌گیری میان فلسفهٔ اخلاق سنتی و فلسفهٔ اخلاق جدید شده است. ممکن است فیلسوف جدید سراسر دستاوردهای خود را به تحلیل فلسفی محدود کند بی‌آنکه به پرسشی همچون «چه باید کرد؟» پاسخی دهد. البته تحلیل واژگان و جمله‌های اخلاقی، مطلوب نهایی بسیاری از فیلسوفان اخلاق نیست، اما همه بر این باورند که این کار نقش اساسی در کشف نظریه‌های اخلاقی در باب ارزش و الزام دارد. می‌توان این رهیافت را تغییر فلسفی در نظریه‌های جدید اخلاقی دانست. سازندگان و طراحان این رهیافت بر این باورند که منطق گفته‌های اخلاقی با منطق گفته‌های کلامی، فلسفی و علمی فرق دارد و ندانستن این مسئله، فیلسوف اخلاق را به پیراهه می‌کشاند. از آنجا که بحث حاضر درباره آراء آقای هیر، یکی از مهم‌ترین

فیلسفه‌ان اخلاق در قرن بیستم، است به اختصار مطالبی را بیان می‌کنیم که در فهم دقیق نظریه‌های ایشان بی‌تأثیر نیست.

از مهم‌ترین مباحث فلسفه اخلاق این است که آیا گزاره‌های اخلاقی اخباری‌اند یا انشایی؟ پاسخ هر فیلسوف به این پرسش آنچنان بنیادی است که سایر موضع‌گیری‌های او را در مسائل دیگر تحت تأثیر قرار می‌دهد. در آغاز، تلاش می‌کنیم تا علت این اختلاف را دریابیم.

آنچه مسلم است، ما در زندگی خود با احکام ارزشی سروکار داریم و ارزش‌ها را تجربه می‌کنیم؛ چه ارزش‌هایی که در طبیعت و آثار هنری دیده می‌شود و در قلمرو زیبایی‌شناسی قرار می‌گیرد و چه ارزش‌هایی که درباره اعمال خود و دیگران است و در حوزه فلسفه اخلاق قرار دارد. نظریه‌های فلسفی در باب طبیعت ارزش‌ها معمولاً با تأمل درباره احساسات ما نسبت به آنها پدید می‌آید. در زندگی اخلاقی، ما با دو

احساس متقابل رویرو می‌شویم:

۱. این احساس که اخلاق، حوزه‌ای است که هر یک از ما حق دارد باید را خود طراحی کند. در عین حال که دیگران مجموعه‌ای از اصول اخلاقی را به ما توصیه می‌کنند، اما هیچ سلطه‌ای بر چگونه زیستن ما ندارند. بر پایه این احساس، اخلاق وابسته به انتخاب شخصی است و هر یک از ما خود تصمیم می‌گیرد و راه صحیح را بر می‌گزیند و دیگران باید به تصمیم‌های ما احترام بگذارند.

۲. احساسی که در مواجهه با معضلات اخلاقی به آدمی روی می‌آورد؛ یعنی این احساس که شاید پاسخ ما صحیح نباشد و ما خود را در برابر پاسخ درست مسئول می‌دانیم. در این وضعیت می‌خواهیم پاسخ درست را برگزینیم، نه اینکه انتخاب ما تعیین کننده آن باشد.

با در نظر گرفتن این دو احساس متقابل، پرسش این است که آیا تفکر اخلاقی مربوط به ابداع و اختراع ارزش‌هاست، چنان که گویی احساس اول آن را تأیید می‌کند، یا کشف ارزش‌هایی است که مستقل از ما وجود دارد، که احساس دوم آن را تأیید می‌کند؟

به نظریه‌هایی که طبیعت ارزش‌ها را دارای عینیت و وجود خارجی نمی‌دانند، نظریه‌های غیر توصیفی یا غیرشناختی و به نظریه‌هایی که به وجود عینی ارزش‌ها معتقدند نظریه‌های توصیفی یا شناختی می‌گویند. نظریه‌های توصیفی، گزاره‌های اخلاقی را خبری و در نتیجه صدق و کذب پذیر می‌دانند. این گروه که به رئالیست‌های اخلاقی معروف‌اند، تأکید می‌کنند که واقعیت اخلاقی مستقل از اعتقادات ما است و مفاهیم اخلاقی جزئی از جهان خارج است. همان طور که صدق و کذب گزاره‌های علمی با مراجعه به خارج آشکار می‌شود، صدق و کذب گزاره‌های اخلاقی نیز به وسیله واقعیت اخلاقی معین می‌شود. ما با تلاش‌های فلسفی خود می‌کوشیم تا ارزش‌ها را کشف کنیم، نه اینکه با اختراعشان، وصفی را بر اعمال و رفتار خارجی تحمیل کنیم.

در قلمرو فرا اخلاق، نظریه‌های توصیفی در جایگاه تحلیل مفهوم‌های اخلاقی، اختلاف دارند. عده‌ای آنها را برابر پایه وصف‌های تجربی تعریف می‌کنند [نظریه‌های طبیعت‌گرا] و برخی پاره‌ای از آنها را ناممکن می‌شمارند. در مقابل این گروه، صاحبان نظریه‌های غیرشناختی یا غیرتوصیفی بر این باورند که گزاره‌های اخلاقی، اخباری نیستند و صدق و کذب به معنای رایج را برق نمی‌تابند. در نتیجه، گزاره‌های اخلاقی، کارکرد جمله‌های خبری را ندارند و به جمله‌های انسانی شباهت بیشتری دارند. نظریه آقای هیر، نویسنده کتاب حاضر، نظریه غیرشناختی است،